[27] مهربانش فرا رسيده بود، پس از چندى كه قدرت برخاستن از بستر را نداشت، بستر بيمارى را ترك گفته وبه كارهاى خانه مشغول مى شود، حضرت على (عليه السلام) وارد شده وعلت را جويا مى شود، آن حضرت خواب خود را نقل مى كند. اكنون زمان آن رسيده است كه شوهر خويش را از آنچه در طول اين مدت در دل انباشته ومخفى نموده، آگاه سازد ووصايای خود را با أو در ميان گذارد. حضرت على (عليه السلام) همه را از اتاق بيرون نمود، ودر كنار بستر همسر مهربانش قرار گرفت، حضرت فاطمه (عليها السلام) فرمود: أي پسر عمو در طول زندگى مرا دروغگو وخائن نيافته أي، ونيز در اين مدت هيچگاه مخالفت ترا ننموده ام، أمير المؤمنين فرمود: تو داناتر وبا تقواتر وگراميتر از آن هستى كه من ترا بخاطر مخالفت كردنت با خود مورد سرزنش وتوبيخ قرار دهم، دورى از تو ونبودنت بر من بسى گران ودشوار خواهد بود، ولى چه بايد كه اين مسأله أي است كه كسى را از آن راه گريزى نيست، سوگند به خدا كه با رفتنت مصيبت رسول خدا برايم تجديد مى شود، انا وانا إليه راجعون، از اين مصيبت بس بزرگ ودردناك، اين مصيبتي است كه ازآن دلدارى نتوان يافت، وسوگى است كه جايگزينى ندارد. حضرت فاطمه (عليها السلام) فرمود: بتو وصيت مى كنم كه در تشييع جنازه ام كسانى كه بمن ستم نمودند شركت نكنند، مبادا بگذارى كسى از آنان بر جنازه من نماز بگذارد، ومرا شب هنگام آنگاه كه چشمها آرام گرفته ومردمان به خواب رفته اند بخاك سپار.

_____